

مقایسه انواع خشونت علیه زنان شهری و روستایی

مژگان پور دل^۱

ذبیح اله عباس پور^۲

چکیده

خشونت علیه زنان مسئله‌ای با پیشینه و قدمت تاریخی در دنیا دارد. هدف پژوهش حاضر شناسایی انواع خشونت علیه زنان در شهر و روستا بود. طرح این پژوهش توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زنان شهری و روستایی استان خوزستان است که ۱۵۰ نفر (۷۵ زن شهری و ۷۵ زن روستایی) به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و از پرسشنامه خشونت خانگی علیه زنان (دکتر تبریزی و همکاران، ۱۳۹۱) برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS-23 تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که بین انواع خشونت (روانی، فیزیکی، جنسی و محرومیت مالی و اجتماعی روانی) در بین زنان شهری و روستایی تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج نشان داد بین سن، سطح تحصیلات با میزان خشونت علیه زنان ارتباط معنادار وجود دارد.

واژه‌گان کلیدی: خشونت، خشونت روانی، خشونت فیزیکی، خشونت جنسی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) m.pourdel@gmail.com

۲- استادیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

مقدمه

همسر آزاری جلوه‌ای از خشونت علیه زنان است که در محیط خلوت و خصوصی خانواده به وقوع می‌پیوندد و در بیشتر موارد میان‌افزادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی و یا قانونی به هم پیوند خورده‌اند. غالباً این نوع خشونت به دست مردان و نسبت به زنان روا داشته می‌شود (آقاخانی و اقا بیگلر، ۲۰۰۳) که در واقع از رفتار جنس غالب در جامعه نشأت می‌گیرد (سروستانی، ۱۳۸۶). خشونت علیه زنان، به عنوان یک معضل جامعه و از رایج‌ترین جرائم اجتماعی و جلوه‌ای از اقتدار مرد سالاری در جهان امروز است؛ که در تمام ملیت‌ها، طبقات و گروه‌های اجتماعی به چشم می‌خورد (درویش پور، ۱۳۷۸). سالانه بین یک تا چهار میلیون زن، مورد آزر و اذیت همسرانشان قرار می‌گیرند (ان سی جی، ۱۹۹۵).

فرهنگ حقوقی، خشونت را استفاده نابجا، غیرقانونی و تعرض آمیز از قدرت تعریف می‌کند. یک نوع آن اجباری غیرقانونی است که علیه آزادی‌ها و حقوق عمومی به کار برده می‌شود و در ارتباط با جرائم خشونت آمیز به جرائمی اطلاق می‌شود که جنبه فیزیکی یا جسمی بی نهایت شدید دارد مانند قتل عمد، کتک زدن و ... (محمدی مهر، ۱۳۸۰). نخستین سند حقوق بین‌المللی که بطور ویژه مبارزه با خشونت علیه زنان را هدف قرار داد اعلامیه رفع خشونت علیه زنانی بود که در سپتامبر ۱۹۹۳ طی قطعنامه‌ای مورد تصویب سازمان ملل قرار گرفت و به تعریف خشونت علیه زنان پرداخت: ((... عبارت خشونت علیه زنان به معنای هر گونه عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت است که سبب بروز یا سبب احتمالی بروز آسیب‌های روانی، جسمانی، رنج و آزار زنان از جمله تهدید به انجام چنین اعمالی، محرومیت‌های اجباری یا اختیاری در شرایطی خاص، از آزادی در زندگی عمومی یا در چنین اعمالی، محرومیت‌های اجباری یا اختیاری در شرایط خاص، از آزادی در زندگی عمومی یا در زندگی خصوصی می‌گردد)). خشونت علیه زنان مخصوصاً همسرآزاری با تعاریف امروزی که شامل چهار نوع خشونت جسمی، جنسی،

روانی و مالی علیه زنان می‌باشد، پدیده جدیدی نیست بلکه از همان زمان تشکیل خانواده در جوامع سنتی وجود داشته و زنان در طول تاریخ مورد استثمار جسمی، روانی، جنسی و مالی قرار گرفته‌اند (طالب پور، ۱۳۹۵). لازم به ذکر است که خشونت علیه زنان در طبقات مختلف جامعه متفاوت بوده و حتی بین زنان روستایی نیز اتفاق می‌افتد. این رفتار با ملاک‌های درآمد، سواد، تحصیلات و ... نیز ارتباط چندانی ندارد.

یکی از عواملی که در جامعه ما [شهری و روستایی] رفتار خشونت آمیز علیه زنان را تائید می‌کند، مرد سالاری است. به ویژه در مناطقی که زنان به اجبار و بدون انتخاب خود بر اساس سنت و عرف به عقد شخص دیگر در می‌آیند؛ یا بدلیل تصورات اشتباه در خانواده‌های مرد سالار مانع از رفتن دختران به دانشگاه می‌شوند. نظریه نقش اجتماعی بر انتظارات تقسیم شده‌ای تاکید دارد که به صورت متمایز برای زنان و مردان کاربرد دارد. بر اساس این نظریه به دلیل انتظارات وابسته به جنس در رفتار مردان است که زنان و مردان به طور متفاوتی در خانواده و جامعه به لحاظ تقسیم کار توزیع شده‌اند. چنین انتظاراتی نه تنها به مرد سالاری و تبعیض علیه زنان منتهی می‌شود، بلکه از جامعه در برابر تخلفات مشابه مردان و زنان، برای زنان مجازات‌های سنگین تری در نظر می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۴).

در باب اهمیت مطالعات خشونت علیه زنان لازم است بیان شود که؛ اعمال خشونت علیه زنان در جامعه امری با چهار جنبه اساسی است؛ از جنبه اول، اعمال خشونت محدود به خانواده نشده و عوارض زیانباری در سطح جامعه و علیالخصوص نسل آتی بر جای می‌گذارد چرا که مطالعات متعدد ثابت نموده‌اند؛ افراد خشن در دوران کودکی قربانی یا شاهد خشونت بوده و در بزرگسالی و پس از تشکیل خانواده، همان رفتار خشونت بار را برای حل تعارضها و تنشهای خانوادگی به کار گرفته و باعث پدیده گردش خشونت در جامعه شده‌اند. جنبه دوم اینکه وضعیت خاص اجتماعی و قانونی در جامعه به‌صورتی است که خشونت علیه زنان امری مقبول تلقی شده و حالت نهادینه دارد؛ بنابراین در چنین

شرایطی کسی به فکر حل مشکلات ناشی از این پدیده اجتماعی نیست، چون در این جامعه مردم به‌طور اعم و زنان قربانی به‌طور اخص نظر خاصی نسبت به رفتار خشن مردان نداشته و شرایط زندگی خود را طبیعی در نظر می‌گیرند به‌زعم آنان جر و بحث و اختلاف جزء طبیعی زندگی زناشویی بوده و در همه خانواده‌ها وجود دارد. در این شرایط رفتارهای غیرقابل تحمل مردان توجیه می‌شود و این باور از طریق نگرشهای اجتماعی تشدید می‌شود که مردان برترند و پرخاشگری نیز سنتی است که در مردان وجود دارد. در این بین این زنان هستند که باید از طریق تحمل رفتار مردان با تغییر رفتار خود در زندگی خانوادگی سایه شوهر را بر سر فرزندان و خودشان حفظ نموده و تن به طلاق که منجر به آوارگی مضاعف می‌شود، ندهند (اعزازی، ۱۳۸۲). سومین جنبه اساسی توجه به بررسی خشونت علیه زنان از عواقب و پیامدهای خشونت علیه آنان برمیخیزد این عواقب منجر به آسیبهای اجتماعی متعددی می‌شوند که لزوم توجه به این امر و مطالعه آن را دو چندان می‌سازند. چهارمین جنبه اهمیت مطالعات خشونت علیه زنان از عدم توانمندی آنان در نتیجه محرومیتها و خشونتهای اقتصادی نشأت می‌گیرد که آنان را به افراد وابسته‌های تبدیل می‌نماید که حتی فکر استقلال را هم از ذهن آنان پاک می‌نماید. با توجه به پیامدها و وجوه چهارگانه فوق می‌توان به اهمیت و ضرورت مطالعه حاضر پی برد، مطالعه حاضر با هدف بررسی مقایسه انواع خشونت علیه زنان شهری و روستایی انجام می‌شود.

پژوهش‌های مشابهی در ایران و سایر کشورها مشابه و نزدیک به موضوع این مقاله نیز انجام شده است که در زیر چند نمونه از آنها شرح داده می‌شوند.

طالب پور (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی بر تاکید بر همسر ازاری به بررسی خشونت خانگی پرداخت. نتایج پژوهش نشان دادند؛ میزان

همسر آزاری در کلیه مناطق استان اردبیل 6992 درصد می‌باشد با بررسی ابعاد خشونت علیه زنان مشخص شد؛ خشونت مالی با 4496 درصد بیشترین نوع خشونت علیه زنان و خشونت فیزیکی با ۶,۹۶ درصد کمترین نوع خشونت اعمال شده علیه زنان در سطح استان می‌باشد. همچنین در این تحقیق خشونت روانی علیه زنان حدود ۶۹ درصد و خشونت جنسی حدود 6996 درصد در سطح استان اردبیل برآورد گردیده است.

اعتصامی (۱۳۹۱) در مقاله به بررسی مقایسه همسر آزاری، عزت نفس و اختلالات جنسی در زنان شهر رو روستا پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که بین نوع همسر آزاری به عنوان یکی از جلوه‌های خشونت خانوادگی می‌تواند زندگی زوجین را از زوایای مختلف تحت تأثیر قرار دهد.

عنایت و دسترنج (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان میزان و نوع مقاومت زنان در رویارویی با میزان و نوع مقاومت زنان را در مواجهه با ساختار قدرت، «ساختار قدرت در زندگی روزمره مردسالار در خانواده اندازه گرفته‌اند. داده‌های این مقاله بر اساس پیمایش، در میان زنان متأهل شیرازی و با ابزار پرسشنامه گردآوری شده است. نتایج تحقیق نشان داده است که اگر زنان در سن بالاتری ازدواج کنند، شاغل باشند و با شوهر تحصیل کرده‌تری زندگی کنند از قدرتی بیشتر در خانواده برخوردار هستند و اگر مردان آنها را به رسمیت بشناسند و قدرت مجابسازی بیشتری داشته باشند خانواده جوی آرامتر را تجربه خواهد کرد.

احمد حامد الدوساری (۲۰۱۶) در تحقیقی تحت عنوان تأثیر خشونت داخلی بر زنان صعودی به این نتیجه رسید که پیامدهای خشونت عمیق است و از سلامت و شادی افراد تا تأثیر بر سلامت کل اجتماع توسعه می‌یابد. زندگی در یک رابطه خشونت آمیز بر حس

اعتماد به نفس زن و تواناییهای او برای مشارکت در اجتماع تأثیر می‌گذارد. بنابراین با بالا بردن آگاهی جامعه از طریق کمپین‌های آگاهی ملی، بررسی خشونت خانگی و افراد آموزش دیده برای بررسی موارد خشونت ضروری است.

با توجه به پیشینه در این پژوهش فرضیه‌های زیر را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

فرضیه اول: بین انواع خشونت (روانی، فیزیکی، جنسی و محرومیت مالی و اجتماعی روانی) در بین زنان شهری و روستایی تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه دوم: بین سن، سطح تحصیلات با میزان خشونت علیه زنان ارتباط معنادار وجود دارد.

روش پژوهش:

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و در سال ۱۳۹۷ اجرا گردید. جامعه آماری مورد مطالعه کلیه زنان شهری و روستایی خوزستان بود. حجم نمونه در این مطالعه به شیوه نمونه‌گیری در دسترس به تعداد ۱۵۰ نفر (۷۵ زن شهری و ۷۵ زن روستایی) انتخاب گردید. به منظور سنجش انواع خشونت میان زنان شهری و روستایی، از پرسشنامه خشونت خانگی علیه زنان دکتر تبریزی و همکاران (۱۳۹۱) استفاده شده است. پرسشنامه خشونت خانگی علیه زنان از ۴۹ ماده و ۶ عامل تشکیل شده است. عامل اول (مواد ۱-۹) خشونت روانی، عامل دوم (مواد ۱۰-۱۱) محرومیت روانی و اجتماعی، عامل سوم (مواد ۱۲-۱۶) محرومیت مالی، عامل چهارم (مواد ۱۷-۲۲) خشونت فیزیکی، عامل پنجم (مواد ۲۳-۲۶) خشونت جنسی و سایر مواد مرد سالاری، عقاید و خرافات، آزار را می‌سنجند. روش نمره گذاری این پرسشنامه به این صورت است که به گزینه‌های همیشه، اغلب اوقات، گاهی، به ندرت و هیچ وقت به ترتیب نمرات ۴، ۳، ۲، ۱ و ۵ اختصاص داده می‌شود. بنابراین دامنه تغییرات این پرسشنامه بین ۴۹ تا ۲۴۵ است. (خشونت روانی بین ۹ تا ۴۵، محرومیت روانی و اجتماعی بین ۲-۱۰، محرومیت مالی بین ۴ تا ۲۰، خشونت فیزیکی بین ۵ تا ۲۵ و در

نهایت گذشته مرد و خرافات بین ۲۳ تا ۱۱۵ می باشد) این پرسشنامه ۴۹ ماده داشته، از شش بخش تشکیل می شود. نحوه نمره دهی پرسشنامه خشونت علیه زنان به صورت روش لیکرت با درجه بندی (۱) همیشه و (۵) هیچ وقت می باشد. ابزار جمع آوری اطلاعات یک فرم ثبت اطلاعات می باشد، به علاوه سؤالاتی در رابطه با سنجش انواع همسر آزاری، باورهای مردسالارانه، سنت ها در این پرسشنامه گنجانده شده است.

انواع همسر آزاری و خشونت علیه زنان:

خشونت جسمی: خشونت جسمانی علیه زنان به شیوه های گوناگون صورت می گیرد مانند کتک زدن، شکنجه و قتل. این نوع خشونت به هر گونه رفتار اجتماعی که جسم زن را مورد آزار قرار می دهد، اطلاق می شود (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۱).

خشونت جنسی: خشونت جنسی به هر گونه رفتار غیر اجتماعی گفته می شود که از لمس کردن بدن زن شروع شده و گاهی تا مرحله تجاوز جنسی زن را آزار می دهد. این نوع خشونت ممکن است در حیطه زندگی خصوصی زناشویی یا رابطه محارم با یکدیگر در خویشاوندی علیه زنان اعمال شود (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۱).

خشونت روانی: رفتار خشونت آمیزی است که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه دار می کند. این رفتار به صورت انتقاد ناروا، تمسخر، توهین، فحاشی، تهدیدهای مداوم به طلاق یا ازدواج مجدد اعمال می شود (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۱).

خشونت اقتصادی: این نوع خشونت رفتاری است که از روی قصد و نیت که زن را در امور مربوط به اشتغال، اقتصاد و دارایی تحت فشار و آزار و تبعیض قرار می دهد (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۱).

منظور از مرد سالاری همان اقتدار مردانه است. از دید ادريان ريچ، مرد سالاری فقط در محدوده ی خصوصی خانواده باقی نمی ماند، بلکه تعریفی که دران ارائه می شود آن را به عنوان نظامی خانوادگی، ایدئولوژیکی و سیاسی معرفی می کند که دران مردان از طریق به

کارگیری زور و فشار یا از طریق سنت‌ها، قانون و زبان و.. آموزش کار می‌کنند که سهم زنان در جامعه چیست و مجاز به انجام چه فعالیت‌هایی هستند و از چه فعالیت‌هایی باید دوری کنند (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۱).

در پژوهش حاضر برای سنجش اعتبار صورت مقیاس، اولاً سعی شده گویه‌ها با سوالاتی که متغیرهای تحقیق را می‌سنجند از گویه‌های پیشین و سوالات تحقیق پیشین که زیر نظر افراد مجرب اجرا شده است به کار گرفته شود، همچنین از تحقیقات موجد نیز تعدادی از گویه‌ها و سوالات مرتبط با بحث گرفته شده، و مواردی نیز شخصاً اضافه گردیده است. آنگاه با مراجعه به اسلاید و کارشناسان علوم اجتماعی و با استفاده از راهنمایی‌های آنها برخی از گویه‌ها و سوالات که صحت آنها تأیید شد نهایتاً در تحقیق مورد استفاده قرار گرفت، پس از محاسبه، اندازه ضریب آلفای کرونباخ کل ۰٫۸۱۳ بدست آمد که نشان می‌دهد پایایی سوالات و گویه‌ها پرسشنامه و مقیاس‌های مختلف آن در حد کافی می‌باشد.

در این پژوهش داده‌های مربوط به ۱۵۰ پرسشنامه تکمیل شده مربوط به دو گروه زنان شهری و روستایی مورد بررسی قرار گرفت.

آمار توصیفی

برای تبیین و شرح داده‌های جمع‌آوری شده در تحقیق از آمار توصیفی استفاده می‌شود. در این جا از جداول و نمودارها، برای نشان دادن بعضی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و سازمانی که در ابتدای پرسشنامه توسط محقق مورد سؤال قرار گرفته، استفاده می‌شود.

سن پاسخ دهندگان

اطلاعات مربوط به سن پاسخ‌دهندگان در جدول و نمودار (۱) نشان می‌دهد که ۳۸ درصد پاسخ‌دهندگان سنی بین ۲۰-۳۰ و ۵۰٪ درصد پاسخ‌گویان سنی بین ۳۰ الی ۴۰ سال

و ۱۲ درصد مابقی سنی بین ۴۰ تا ۵۰ سال دارا هستند هستند. این نسبت نشان می‌دهد که عمده آزمودنی‌ها را سنی بین ۳۰ الی ۴۰ تشکیل می‌دهند.

جدول (۱): سن پاسخ‌دهندگان

درصد فراوانی	فراوانی	سن پاسخ‌دهندگان	
۳۸	۵۷	۳۰-۲۰	۱
۵۰	۷۶	۴۰-۳۰	۲
۱۲	۱۸	۵۰-۴۰	۳
۱۰۰	۱۵۰	مجموع	

تحصیلات پاسخ‌دهندگان

اطلاعات مربوط به تحصیلات پاسخ‌دهندگان در جدول و نمودار (۲) نشان می‌دهد که ۱۳ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات بیسواد و ۱۵/۰ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات راهنمایی و ۱۸ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات دبیرستان و ۲۲ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات دبیرستان و در نهایت ۲۹ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات دیپلم هستند. این نسبت نشان می‌دهد که عمده آزمودنی‌ها را افرادی با تحصیلات دیپلم تشکیل می‌دهند.

جدول (۲): تحصیلات پاسخ‌دهندگان

درصد فراوانی	فراوانی	تحصیلات پاسخ‌دهندگان	
۱۳	۲۰	بی سواد	۱
۱۵	۲۳	ابتدایی	۲
۱۸	۲۸	راهنمایی	۳
۲۲	۳۳	دبیرستان	۴
۲۹	۴۴	دیپلم	۵
	-	فوق دیپلم	۶
۱۰۰	۱۵۰	مجموع	

شغل پاسخ دهندگان

اطلاعات مربوط به شغل پاسخ‌دهندگان در جدول و نمودار (۳) نشان می‌دهد که ۱۳ درصد پاسخ‌دهندگان دارای شغل کارمند و ۱۸/۰ درصد پاسخ‌گویان دارای شغل کارگری و ۱۹ درصد پاسخ‌دهندگان فاقد شغل و ۲۱ درصد پاسخ‌دهندگان دارای شغل آزاد و در نهایت ۲۷ درصد پاسخ‌دهندگان دارای شغل خانه‌داری هستند. این نسبت نشان می‌دهد که عمده آزمودنی‌ها را افرادی با شغل آزاد تشکیل می‌دهند.

جدول (۳): شغل پاسخ‌دهندگان

درصد فراوانی	فراوانی	شغل پاسخ‌دهندگان	
۱۳	۲۰	کارمند	۱
۱۸	۲۷	کارگر	۲
۱۹	۲۹	بیگار	۳
۲۱	۳۲	آزاد	۴
۲۷	۴۱	خانه‌دار	۵
۱۰۰	۱۵۰	مجموع	

در ادامه با استفاده از آزمون فرض آماری میانگین یک جامعه یا به عبارتی از آزمون T تک نمونه‌ای (One Sample Test) برای بررسی وضعیت متغیرها استفاده گردیده است که در واقع تفاوت بین میانگین نمونه مورد بررسی را با یک مقدار مفروض (مقدار ۳ یعنی حد وسط طیف لیکرت ۵ تایی) مورد آزمون قرار گرفت.

نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای عوامل

شماره عامل	سطح معناداری
عامل اول	۰/۰۰۰
عامل دوم	۰/۰۰۰
عامل سوم	۰/۰۰۰

عامل چهارم	۰/۰۰۰
عامل پنجم	۰/۰۰۰
عامل ششم	۰/۰۰۰

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در کلیه عوامل، سطح معناداری در آزمون هادری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد عوامل پژوهش در سطح پایا هستند. این بدان معنی است که میانگین و واریانس عوامل در طول زمان و کوواریانس عوامل ثابت است. در نتیجه استفاده از این عوامل در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود.

نتایج آزمون میانگین یک جامعه در ارتباط با عوامل

شماره عامل	میانگین	اختلاف میانگین	مقدار آماره T	سطح معناداری	حد پایین	حد بالا
عامل اول	۰/۲۰	۱/۰۶	۵/۱۹۸	۰/۰۰۰	۰/۲۰۴	۰/۳۴۰
عامل دوم	۰/۲۲	۰/۲۰۰	۰/۸۷	۳/۳۸۱	۴/۲	-۰/۴
عامل سوم	۰/۲۲	-۱/۱۱	۱/۴۸	۰/۰۰۰	-۱/۵	۰/۷۵
عامل چهارم	۰/۱۹۴	-۰/۴۲	-۲/۱۹۸	۰/۰۰۱	-۱/۰۰	-۰/۵
عامل پنجم	۰/۲۲	۰/۱۴	۰/۴۹	۰/۵۱۰	-۱/۰۰	۰/۵۹
عامل ششم	۰/۱۸	۱/۹۴	۵/۷۶	۰/۰۰۰	۳/۰۲	-۰/۷۷

جدول ۴-۹ نتایج آزمون میانگین یک جامعه را عوامل نشان می‌دهد. مطابق این جدول مقدار آماره T برای عامل اول عدد 5/198، و عدد معنی داری ۰/۰۰۰ می‌باشد. عدد معنی داری کمتر از ۰/۰۵ (در سطح اطمینان ۹۵ درصد) و حد بالا مثبت و حد پایین مثبت می‌باشد، همچنین مطابق این جدول مقدار آماره T برای عامل دوم عدد 0/87، و عدد معنی داری ۳/۳۸۱ می‌باشد، عدد معنی داری بیشتر از ۰/۰۵ (در سطح اطمینان ۹۵ درصد) و حد بالا مثبت و حد پایین مثبت می‌باشد، همچنین مطابق این جدول مقدار آماره T برای عامل سوم عدد 1/48، و عدد معنی داری ۰/۰۰۰ می‌باشد، عدد معنی داری کمتر از ۰/۰۵

(در سطح اطمینان ۹۵ درصد) و حد بالا مثبت و حد پایین مثبت می‌باشد، همچنین. مطابق این جدول مقدار آماره T برای عامل چهارم عدد $2/198-$ ، و عدد معنی داری $0/01$ می‌باشد، عدد معنی داری کمتر از $0/05$ (در سطح اطمینان ۹۵ درصد) و حد بالا مثبت و حد پایین مثبت می‌باشد، همچنین. مطابق این جدول مقدار آماره T برای عامل پنجم عدد $490/$ ، و عدد معنی داری $0/510$ می‌باشد، عدد معنی داری کمتر از $0/05$ (در سطح اطمینان ۹۵ درصد) و حد بالا مثبت و حد پایین مثبت می‌باشد، همچنین. مطابق این جدول مقدار آماره T برای عامل ششم عدد $765/$ ، و عدد معنی داری $0/000$ می‌باشد، عدد معنی داری کمتر از $0/05$ (در سطح اطمینان ۹۵ درصد) و حد بالا مثبت و حد پایین مثبت می‌باشد، بنابراین با توجه به فرضیه‌ها و عوامل مرتبط [سؤالات پرسشنامه] و فرضیه اول به دلیل اینکه ۷۵ پرسشنامه اول را زنان شهری و ۷۵ پرسشنامه دوم را زنان روستایی پر کرده‌اند و آمار و نتایج نسبتاً مساوی از می‌توان نتیجه گرفت که بین انواع خشونت (روانی، فیزیکی، جنسی و محرومیت مالی و اجتماعی روانی) در بین زنان شهری و روستایی تفاوت معناداری وجود ندارد، یعنی انواع خشونت مانند جسمی، جنسی، روانی و اقتصادی و ... در هر جمعیت زنان شهری و روستایی به طور برابر هستند و تفاوت قابل توجهی ندارند. همچنین نتایج نشان داد بین سن، سطح تحصیلات با میزان خشونت علیه زنان ارتباط معنادار وجود دارد، یعنی با توجه به آمار و پاسخ‌های پاسخ دهندگان هر چه سن ازدواج بالاتر باشد و یا تحصیلات زن و یا مرد و یا هر دو بالاتر باشد میزان خشونت در خانواده علیه زنان کمتر خواهد بود.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این مطالعه نشان داد که خشونت علیه زنان در زنان روستایی و شهری در ابعاد خشونت روانی، محرومیت مالی، محرومیت روانی و اجتماعی، خشونت فیزیکی، خشونت جنسی و گذشته مرد و خرافات تفاوت معناداری ندارد. نتایج این تحقیق با تحقیقات مشابه

در همین زمینه سازگار است. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد در جوامع مختلف بین سن و سطح تحصیلات مرد نسبت به خشونت تأثیری ندارد.

در یک جمع بندی کلی می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که خشونت علیه زنان می‌تواند پیامدهای مختلفی در زمینه‌های جسمی و روحی در برداشته باشد. و عواملی مانند مرد سالاری، گذشته مرد و... بر این خشونت خانگی تأثیر مستقی دارند. بنابراین برای پیشگیری و کاهش آن لازم است برنامه ریزی دقیق و منظمی انجام شود؛ برای مثال اختلاف طبقاتی، فقر، عدم هماهنگی از نظر تحصیلات و ... را کاهش داد. آموزش‌ها و مشاوره‌ها قبل از ازدواج، آرامش در خانواده‌ها و ... را گسترش داد، همچنین از خراف مرد سالاری، تحقیر زنان به طور مستمر و مستقیم در فضای عمومی و بسته را کاهش داد و برابری جنسی و جنسیتی را گسترش داد تا از این رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان جلوگیری شود.

جامعه پذیری جنسیتی اصلی‌ترین عامل بازتولید و ادامه خشونت علیه زنان خواهد بود و تا زمانی که تحولی در جامعه صورت نگیرد، این معضل ادامه خواهد داشت. برای رفع این مشکل پیشنهادات زیر مطرح می‌شوند: ۱- تغییر نگرش‌ها، فرهنگ‌ها، عقاید و باورها ۲- توانمند سازی زنان و دختران از طریق افزایش سطح تحصیلات آنان به منظور دستیابی به آگاهی‌های بیشتر و کسب منابع قدرت؛ همانطور که در آیت پژوهش مشاهده شد زنانی با تحصیلات بالاتر از دیپلم دیده نشد و این جای بسی تفکر دارد. ۳- گسترش برابری نقش‌های جنسیتی زن و مرد در خانواده؛ که این امر کمک سازمان‌های ملی و بین‌المللی را می‌طلبد. ۴- بازنگری و یا تدوین قوانین حمایت از زنان و آموزش حقوق آن‌ها.

منابع

- ۱) احمدی، محمد (۱۳۸۴). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده»، **فصلنامه انجمن جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۳.
- ۲) اعتصامی پور، راضیه (۱۳۹۰). «مقایسه همسر آزاری، عزت نفس و اختلالات جنسی در زنان شهر و روستا»، **مجله تخصصی پژوهش و سلامت**، دوره شماره ۷، پاییز و زمستان.
- ۳) اعزازی، شهلا (۱۳۸۳). **بررسی مسائل اجتماعی ایران**، تهران: انتشارات پیام نور.
- ۴) درویش پور، مهرداد (۱۳۸۷). «چرا مردان به اعمال خشونت علیه زنان ترغیب می‌شوند؟»، **مجله زنان**، سال هشتم، شماره ۵۶.
- ۵) طالب پور، اکبر (۱۳۹۵). «بررسی عوامل خشونت خانگی با تاکید بر همسر آزاری»، **فصل نامه پژوهش‌های جامعه انسانی معاصر**، سال ششم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان.
- ۶) محسنی تبریزی، علیرضا؛ کلدی، علیرضا؛ جوادیان زاده، مهدیه (۱۳۹۱). «بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز پزشکی قانونی و بهزیستی شهرستان یزد در سال ۱۳۸۹». **فصلنامه طلوع بهداشت یزد**، ۱۱(۳)، ۱۱-۲۴.
- 7) Aghakhani K, Aghabigloo A, Chehrei A. Evaluation of husband's physical violence against women who referred to Tehran legal medicine center in fall 2000. *Razi Journal of Medical Sciences* 2003; 9(31): 485-489. [In Persian]